

تأثیر رهبری امام خمینی(ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران

سید حسین اطهری^۱

چکیده

سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از عناصر نظیر اعتماد جمعی، هنجارها و شبکه‌ها دانست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه شده و در قالب آن همکاریها تسهیل می‌گردد. به حرکت درآوردن سرمایه‌های اجتماعی متروک، مؤلفه‌ای مثبت در راه تجمیع نیروها و تقویت همکاری‌ها است و در فرآیند ایجاد تغییرات سیاسی - اجتماعی نقش قابل توجهی دارد. این نکته در انقلاب‌ها که از مصادیق مهم تغییرات اجتماعی هستند، جایگاه برجسته‌ای می‌یابد. چراکه انقلاب‌ها نیازمند مشارکت، آگاهی و اعتمادند و این مهم بابت‌گیری سرمایه اجتماعی و استفاده بهینه از آن میسر می‌شود. در این نوشتار پس از تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، با نگاهی استنباطی و مبتنی بر سیره نظری و عملی امام خمینی(ره) و با تکیه بر تحلیل گفتارها و واکاوی اندیشه وی در این باب، نشان می‌دهیم که ایشان با بهره‌گیری بهینه از عناصر و نهادهای مذهبی، سه مؤلفه اعتماد، انسجام و مشارکت را تقویت نموده و در نتیجه توانست سرمایه اجتماعی جامعه ایران را به طرز مطلوب و در راستای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی تقویت و مدیریت نماید.

کلید واژه‌ها: امام خمینی(ره)، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد، انسجام، مردم، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

علل، چگونگی و پیامدهای وقوع انقلاب اسلامی ایران از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. در این بین تأثیر امام خمینی(ره) به عنوان رهبر در رخداد این انقلاب مذهبی و مردمی غیرقابل انکار است. تأثیری که نه تنها در دوران مبارزه بلکه در تداوم محتوای انقلاب و اداره نظام برآمده از آن نیز خود را نشان داد. به نحوی که اکثر قریب به اتفاق رویدادها و دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران در دوران انقلاب و پس از آن در سایه‌ی اندیشه و اقدامات ایشان معنا و مفهوم می‌یابد.

دلیل اصلی این همنشینی را می‌توان در شیوه مدیریت جامعه‌ی انقلابی و پسانقلابی ایران توسط امام خمینی(ره) دانست. در این فرآیند، نقش ایشان در تقویت «سرمایه اجتماعی» به عنوان عاملی مؤثر در حفظ روحیه و فضای جامعه انقلابی ایران قابل توجه است. سرمایه اجتماعی در نگرشی کلی به معنای مجموعه روابط، شبکه‌ها، تعاملات، انجمن‌ها و مؤسساتی است که به واسطه هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل گرفته و بر محور اعتماد جمعی، همکاری را تسهیل می‌نماید. این مفهوم گرچه در دو دهه اخیر در موضوعاتی نظیر توسعه انسانی، حقوق شهروندی، ملت‌سازی، دموکراسی‌خواهی و... رواج و کاربرد بیشتری یافته است اما در حوزه‌های جامعه‌شناسی و ادبیات مرتبط با دگرگونی سیاسی، قدمتی در حدود نیم قرن دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که تأثیر رهبری امام خمینی(ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران و تحولات پس از آن چگونه بود؟ به این منظور پس از تبیین مؤلفه‌های سه گانه سرمایه اجتماعی و ویژگی‌های آن، با تکیه بر تحلیل محتوای گفتارهای امام(ره) به واکاوی اندیشه ایشان در این باب خواهیم پرداخت. مدار این پژوهش گرد این فرضیه اصلی می‌گردد که امام خمینی(ره) به عنوان رهبری که هم دارای ویژگی‌های رهبران بسیج‌گر و هم واجد خصایص رهبران سیاست‌گذار بود، توانست با بهره‌گیری هوشمندانه از عناصر و دقایق مذهبی، سرمایه اجتماعی متروک جامعه ایران را به حرکت در آورد.

الف) مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. سرمایه اجتماعی به شکل امروزی آن و با صبغه‌ای جامعه‌شناسانه نخستین بار توسط «جین یاکوب» و در کتاب «مرگ وزندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» در سال ۱۹۶۱ به کار گرفته شد. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توسط «جیمز کلمن» و «رابرت پاتنام» مورد استفاده قرار گرفته و در نهایت از دهه ۱۹۹۰ با واگذاری نقش دولت به سازمان‌های محلی و تغییرات گسترده‌ای که در سطح نظام بین‌الملل^۱ به وجود آمد مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت (شیروانی ۱۳۸۵: ۱۰).

رابرت پاتنام^۲ سهم زیادی در عمومی کردن این اصطلاح دارد. او سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه این گونه تعریف می‌کند: «ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌تواند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود دهند» (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۲). به تعبیر «پاتنام»، همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد. در واقع تعریف او به پیوندهای میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (Sztreter, 2002: 574). بدین ترتیب سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی نظیر اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک نظام اجتماعی دانست. ایده محوری این تعریف در واژه «روابط» خلاصه می‌شود که با عضویت در شبکه‌ها و مجموعه ارزش‌های مشترک عملیاتی می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰). به نظر می‌رسد این نوع از سرمایه زمانی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش جمعی را تسهیل کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶).

۱- از جمله این تحولات می‌توان به فروپاشی شوروی و ناکامی ایدئولوژی‌های دولت‌گرا، گسترش رسانه‌های جمعی به ویژه اینترنت و افزایش روابط غیردولتی افراد در قالب نهادهای علمی، فرهنگی اقتصادی و در مجموع فرآیند «جهانی شدن» اشاره نمود.

پاتنام محور اصلی این بحث را به ارزش‌های ناشی از شبکه اجتماعی باز می‌گرداند که جمعی و آشنای جامعه است و مردم تمایل دارند در روابط اجتماعی آن‌ها را به ظهور رسانده و در تعاملات خود به کار گیرند (Potnam, 2002: 19). «فرانسیس فوکویاما» نیز به مانند پاتنام، محوریت را به ارزش‌ها می‌دهد و حتی در تعریف خود از سرمایه اجتماعی آن را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی که همکاری و تعادل میان‌شان مجاز است؛ در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). ارزش‌های مشترک هنجارهایی را مشخص خواهد کرد که ساخت روابط را شکل خواهد داد.

فوکویاما روش‌های عمده‌ای را که از طریق آن هنجارهای اجتماعی ایجاد می‌شود را در چهار طبقه ذکر می‌کند؛ ۱- هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده، ۲- هنجارهای ساخت یافته به شکل خودجوش، ۳- هنجارهای ساخت یافته بر پایه ساخت مندی برون زاد، ۴- هنجارهای ساخت یافته برگرفته از طبیعت (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۱).

در میان روش‌های فوق، هنجارهای ساخت یافته بر پایه ساخت مندی برون زاد که به نقش نهادهایی چون دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه مشترک تاریخی اشاره دارد؛ روشی است که به نظر می‌رسد در فرآیند انقلاب‌ها و یا جنبش‌های اجتماعی مؤثر افتد، چرا که انقلاب‌ها در فرآیند خود نیازمند ایدئولوژی هستند. «ایدئولوژی‌های انقلابی اگر چه ممکن است بر اساس دستگاه‌های فکری و فلسفی بنا شده باشند اما بیشتر در پی دستیابی به نتایج عملی هستند» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۱). در واقع سرمایه اجتماعی در فرآیند انقلاب بیشتر بر اساس ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه مشترک تاریخی ایجاد و تقویت می‌شود. هر چند برخی بر این باور هستند که ایدئولوژی در کنار مفاهیمی چون فروبستگی و ثبات ساختارهای اجتماعی از عواملی است که هم ایجاد کننده و هم نابود کننده سرمایه اجتماعی است. آن‌ها به این نکته کلیدی تأکید دارند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی اگر تجدید نشود با گذشت زمان مستهلک خواهد شد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۰).

برای نمونه، تصور این موضوع مشکل خواهد بود که یک انقلاب توده‌ای بدون برخورداری از برنامه ایدئولوژیک که هم شورش را توصیه کند و هم دلایلی برای اعتقاد به پیروزی نزد شرکت کنندگان عرضه نماید، بتواند موفق شود (گلدستون، ۱۳۸۲: ۲۱۰). کارآیی سرمایه اجتماعی

در جوامعی که مرحله گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کنند و یا در وضعیتی غیر عادی به سر می‌برند(انقلاب، جنگ، بلایای طبیعی و...) خود را نشان می‌دهد. چرا که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان با تکیه بر این قوه‌ی نامرئی جامعه است که می‌توانند اقدامات تأسیسی، احیاکننده و اصلاح‌گرایانه خود را عملیاتی سازند. در این جا می‌توان به اثرگذاری رهبران و نخبگان بر سرمایه اجتماعی اشاره کرد.

رهبران انقلابی با توجه به ویژگی‌های‌شان در جایگاه‌های گوناگون قرار می‌گیرند. «رهبران فکری یا ایدئولوژی پرداز» که اصول و زمینه‌ی عقیدتی پیدایش جنبش انقلابی را فراهم می‌کنند و با استفاده از اصول و جهان بینی خاص خود از نهادهای سیاسی موجود سلب مشروعیت می‌نمایند. رهبران «بسیج گر» که دارای مهارت تحریک مردم به عمل سیاسی هستند؛ سلاح آن‌ها زبان و نطق و بیان است که به وسیله‌ی آن ایدئولوژی انقلاب را ساده و عامه فهم می‌سازند. دسته سوم رهبران «مدیر یا سیاست‌گذار» هستند که وظیفه‌ی تحکیم قدرت و نهادینه کردن آن را به ویژه پس از به ثمر رسیدن انقلاب به عهده دارند. البته این سه ویژگی می‌تواند هم زمان در یک شخصیت واحد با شدت و ضعف متبلور شود(بشیریه ۱۳۷۹:۹۳).

کنشگر انقلابی در بسیج منابع نیازمند تقویت، تحریک و همراه ساختن سرمایه اجتماعی است و قرار گرفتن در هر کدام از دسته‌های فوق، زمینه تأثیر رهبران را فراهم می‌سازد. برای آن که بتوان این اثرگذاری را مورد بررسی قرار داد، نیازمند مؤلفه‌های خردی هستیم که به واکاوی مفهوم سرمایه اجتماعی یاری می‌رساند.

با مطالعه آثار تولید شده سرمایه اجتماعی می‌توان «اعتماد اجتماعی^۱»، «انسجام اجتماعی^۲» و «مشارکت اجتماعی^۳» را به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی نام برد که با هم رابطه‌ای متقابل دارند. از نظر پاتنام، اتصال بین شبکه‌های اجتماعی، همکاری متقابل و اعتمادسازی مهم است. این برداشت از سرمایه اجتماعی به ارتباطات اهمیت می‌دهد (szreter,2002:575).

1 - Social Trust

2 - Social Cohesion

3 -Participation Social

«شبکه اعتماد» بستری برای عملیاتی شدن مقوله اعتماد اجتماعی محسوب می‌شود. شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در مبادلات بین خود استفاده می‌کنند. از این رو اعتماد بین اعضاء نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. اعتماد از نظر «کلاوس اوفه» میزان آمادگی برای ایجاد روابط در مواردی است که نظارت توجیه پذیر نیست یا هزینه‌های سنگینی در بردارد یا سنجش فراوانی آغاز این گونه روابط و مدت زمان حفظ آن توسط یک فرد است (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

شبکه‌های اجتماعی امکان انتقال و انتشار اعتماد را فراهم می‌کنند. من به «شما» اعتماد دارم چرا که من به «او» نیز اعتماد دارم و او مرا مطمئن ساخته که به شما اعتماد دارد. «...اعتماد مسأله‌ای است که در فرایند انتقال از روابط شخصی و غیررسمی بین افراد به اشکال نهادی و عمومی شده در فضایی که به وسیله قرارداد، قانون و مبادله متقابل انباشته شده، محصور گردیده است» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

در هر جامعه‌ای که افرادش به اشکال مختلف عضوی از گروه یا انجمن یاصنفی هستند، درصد اعتماد و مسئولیت‌شان نسبت به گروه و حتی بیرون گروه بسیار بیشتر می‌شود. کنترل اجتماعی آسان‌تر، حمایت‌خانوادگی و خویشی، برقراری شبکه‌های فراخانوادگی (مثل صندوق‌های قرض‌الحسنه) و ایجاد فرهنگ مدنی قوی از فواید و نتایج مثبت سرمایه اجتماعی در جامعه است. اعتماد اجتماعی در میان توده‌های مردم و نخبگان فکری جامعه، پیشبرد برنامه‌های توسعه‌گرایانه را تسهیل می‌کند و در بلندمدت به رفاه اقتصادی و امنیت فکری می‌انجامد. «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص می‌باشد اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی کمک می‌نمایند و به نوبه خود به وسیله این رفاه تقویت می‌شوند» (پاتنام، ۱۳۷۹: ۳۰۹). اعتماد

اجتماعی سنگ بنای رابطه سالم در جامعه است و افزایش اعتماد متقابل می‌تواند به نحو قابل توجهی کارآیی یک نظام را بالا ببرد و اگر از حدّ فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. یکی دیگر از اقدامات مهم در این زمینه، تلاش مدیران و رهبر سازمان برای «اعتمادسازی» بین اعضای گروه‌ها و واحدهای سازمانی و نیز بین واحدهای مختلف است. اعتماد نیز صرفاً با ایجاد روابط و ارتباطات مستمر موفق به تدریج شکل می‌گیرد (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۰).

در جوامع توده گرا، برخی ویژگی‌های شخصیتی رهبران سیاسی همچون سبک فردی، ظاهر و مهارت رسانه‌ای و حسن شهرت اخلاقی که اغلب با مفهوم وبری «کاریزما» یا جاذبه شخصی شناخته می‌شود (Eisenstad, 1995: 313) زمینه اعتماد به رهبران سیاسی را فراهم می‌سازد. «انسجام اجتماعی» بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت داشته و ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است (ازکیا و غفاری ۱۳۸۳: ۲۸۶). انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. «امیل دورکیم» احساسی را که در میدان تعاملی افراد به وجود می‌آید «عاطفه جمعی» می‌نامد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیق اکثراً طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (همان: ۲۸۶-۲۸۷).

از دیدگاه جامعه شناسی «مشارکت اجتماعی» بر تعهد و عمل مشترک در حول اهداف مشخص و مشترک تأکید دارد. مشارکتی که ممکن است بسته به اهداف مورد دستیابی، موقت یا طولانی مدت باشد. بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی نوعی تعامل وجود دارد که حائز اهمیت است. یکی از پیش شرط‌های مشارکت، قابلیت ظرفیت‌های متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند و هدف‌شان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیند اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است. به عبارتی «مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به

صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸) مشارکت اجتماعی مشارکتی است که از متن جامعه بر می‌آید و عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را هم در بر می‌گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی به ویژه در سطح روستاها، جایگاه ویژه‌ای دارد. نمود عینی مشارکت اجتماعی وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است.

از بعد مباحث مربوط به توسعه، سرمایه اجتماعی درحقیقت تمام الزاماتی را که برای توسعه و به ویژه توسعه شتابان جامعه ضرورت دارند، درخود جای می‌دهد. به طوری که به کارگیری درست سرمایه اجتماعی در این فرآیند، باعث رونق کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

در مجموع و با بررسی تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی، می‌توان ویژگی‌هایی را برای آن برشمرد که عبارتند از: سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌ها است نه افراد، سرمایه اجتماعی نقش متصل کردن افراد به یکدیگر را ایفاء می‌کند، سرمایه فیزیکی و انسانی را می‌توان وارد کرد اما هرگز سرمایه اجتماعی را نمی‌توانیم وارد کنیم، سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر انواع سرمایه سیال است، سرمایه اجتماعی باعث گسترش آگاهی افراد از شیوه‌هایی می‌شود که از طریق آن‌ها سرنوشت‌ها به هم گره می‌خورند، سرمایه اجتماعی برخلاف دیگرانواع سرمایه هرچه از آن برداشت شود نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه افزایش نیز می‌یابد (ناظمی ۱۳۸۷: ۳۶۴).

همان‌گونه که اشاره شد سرمایه اجتماعی معمولاً در شرایط بحران، قوت و ضعف خود را نشان می‌دهد اما در مواقع عادی نیز مجال حضور و نقش آفرینی می‌یابد. همکاری و همدلی مردم ایران در زمان هشت سال جنگ با عراق، همیاری داوطلبانه در هیأت‌های مذهبی در ایام محرم و سایر مناسبت‌ها، همیاری مردم در مراسم ازدواج، عزاداری و مناسبت‌های اجتماعی، مشارکت مردم در بازسازی مناطق جنگ زده، کمک رسانی به مردم مناطق زلزله زده، مشارکت در جشن نیکوکاری، خیرین مدرسه ساز و... نمونه‌هایی از تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی در ایران است.

ب) تأثیر رهبری امام بر سرمایه اجتماعی در دوران انقلاب و پس از آن

امام خمینی(ره) هم رهبری فکری و هم مدیریتی و بسیج‌گرانه انقلاب را به عهده داشت اما در ارتباط با بحث سرمایه اجتماعی، می‌توان گفت که امام خمینی(ره) در این حوزه از قدرت بسیج‌گرانه بالایی برخوردار بوده و این جنبه از رهبری ایشان برجسته است.

بررسی تأثیر رهبری امام خمینی(ره) بر سرمایه اجتماعی در دوران انقلاب و بعد از آن بدون پذیرفتن این نکته که وی به دلیل اعتبار و وجهه مذهبی، اجتماعی و سیاسی در بین مردم از مقبولیت زیادی برخوردار بود؛ ممکن نیست. امام به دلیل مقبولیت مذهبی و مردمی قابلیت تأثیر بر سرمایه اجتماعی را یافته و توانست به عنصری تأثیرگذار بدل شود.

۱- اعتماد

در سال‌های آخر حکومت محمدرضا پهلوی و در شرایطی که اعتماد به وضعیت موجود به شدت کاهش یافته بود، امام (ره) توانست در فضای بی‌اعتمادی حاکم به تقویت اعتماد مردم در راستای اهداف انقلابی بپردازد. این فرایند از طریق تأکید بر همبستگی و وحدت بین همه اقشار و ذکر نمونه‌های تاریخی از بزرگان دین انجام می‌شد. از آن‌جا که مردم ایران خود دارای علقه‌های مذهبی بوده و مذهب به عنوان یک جنبه از هویت آن‌ها مطرح بود، امام با تأکید بر حفظ و اجرای هنجارهای مذهبی از یک سو یکی از جنبه‌های مهم هویتی ایرانیان را برجسته کرده و از دیگر سو سلب اعتماد مردم از منابع هنجارساز رسمی حکومت پهلوی و عدم اجرای مطلوب آنان را موجب شد.

پس از پیروزی انقلاب و زمانی که امام در رأس حکومت انقلابی قرار گرفت؛ شأن ایجابی و تأسیسی آموزه‌های دینی خود را نشان داد و باعث تقویت اعتماد مردم به حکومت گردید. این امر باعث شد تا مردم هم بسته‌تر گردند و از آن‌جا که امام را به عنوان شخصیتی می‌شناختند که منافع دنیوی و اخروی آن‌ها را در نظر دارد، اعتماد به شیوه رهبری ایشان پذیرفتنی بود. در واقع اطلاعات و آگاهی‌هایی که امام از طریق سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود در اختیار مردم می‌گذارد در راستای تأکید بر همبستگی و وحدت بین همه اقشار و دعوت نمودن از آن‌ها و استفاده از نمادها و شخصیت‌های مذهبی بود که موجبات تقویت اعتماد اجتماعی را فراهم می‌نمود.

۱-۱ تأکید بر همبستگی و وحدت بین همه اقشار

در جریان انقلاب به دلیل ماهیت متمرکزکننده این پدیده اجتماعی، دشمن داخلی که استبداد شاهی بود برای مردم در اولویت قرار گرفت و همبستگی و وحدت در مقابل غیریتی به نام «شاه» ایجاد شد که برای بیرون کردن آن و پیروزی از منظر امام باید «همه با هم، هم‌صدا بشوید... اگر این صدای توحید را با هم بلند کنید این تمام می‌شود کارش. اختلاف نیندازید که هرکس از یک گوشه‌ای بگیرد. امروز اختلاف، انحار مسلمین است. باید همه با هم باشید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸ ج ۴: ۱۷۱). در این زمان امام محور همبستگی را «اسلام» معرفی می‌کند و حتی از «جمیع اشخاصی که انحرافی داشته‌اند» می‌خواهد «که به آغوش اسلام که ضامن سعادت آنان است برگردند که ما آنان را برادرانه می‌پذیریم. «چرا که» در این موقع حساس که کشور ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق احتیاج دارد باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز شود» (همان، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۸۷).

در واقع اهمیت نقش و جایگاه مذهب در اندیشه امام باعث شده بود تا راهبردهای مبارزاتی ایشان آمیخته با نگرش مذهبی باشد. این نگرش هرچند نیروهای فعال در مبارزه با رژیم را گرد محوری مشخص و جذاب متمرکز ساخت اما محتوایی سیال و چندلایه داشت. بدین ترتیب «گفتاری که امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر انقلابی برگزیده بود چنان کلی، جامع و شامل بود که همه‌ی گروه‌های مبارز، خود را در آن متبلور و مجسم می‌یافتند. به عنوان نمونه همگان در این شعار که "شاه باید برود" و "سلطنت از اساس غیر قانونی است" آن چنان به باورهای مشترک دست یافته بودند که در آن شک و تردیدی روا نمی‌شد. گفتار انقلاب‌گرایانه امام خمینی گرچه در ظاهر واحد بود ولی نماد بیرونی آن از حیث پذیرش بسیار متکثر جلوه داده شد (خلیلی، ۱۳۸۵: ۹۹).

پس از پیروزی انقلاب نیز، ایشان باز هم بر پیوند و همبستگی مردم تأکید نمودند. با این تفاوت که دایره غیریت‌ها بیشتر از داخل به سطح بیرونی و معطوف به غیرهای بیرونی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا گردید: «آن‌هایی که ما را به عقب راندند باز مراقبند. مملکت‌هایی که می‌خواهند منافع ما را ببرند باز در کمین هستند. اگر چنان‌چه سستی کنید، اگر چنان‌چه سهل‌انگاری کنید، اگر چنان‌چه این نهضت را دوام ندهید ممکن است که خدای نخواستہ باز

دست آن‌ها باز شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۲۶) و بدین ترتیب سستی و عدم همبستگی را فرصتی برای بهره بردن «غیر» و این بار در قالب دشمنان خارجی بر می‌شمرد. امام خمینی(ره) با برجسته نمودن تأثیر وحدت و همبستگی مردم در پیروزی انقلاب می‌گوید:

«... ومن امیدوارم که از این قصه ایران آن‌ها عبرت ببرند که وحدت کلمه یک ملت که هیچ ابزار جنگی نداشت... این‌ها چیزهایی است که باید در ممالک دیگر در آن تفکر بشود و مورد بررسی قرار بگیرد. اگر بخواهند از زیر بار اجنبی خارج بشوند، باید برنامه‌های فعلی را تغییر بدهند. ان شاء... امیدوارم که همه دولت‌ها و ملت‌ها تحت لوای اسلام جمع شوند و اگر بخواهند سعادت پیدا بکنند باید تحت لوای اسلام جمع بشوند تا این‌که نتوانند مکتب‌های دیگر در آن‌ها نفوذ پیدا کنند و تا انحرافات باشد و تحت لوای اسلام نباشد این مسایل و مشکلات هست...» (همان، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۰۸).

آن‌چه در تقویت و تحکیم همبستگی از نظر امام مورد توجه است محوریت اسلام است که بارها تکرار می‌گردد. امام با شناخت صحیح از فضای فرهنگی - فکری جامعه و با روشن نمودن تأثیر همبستگی در پیروزی، از همبستگی به عنوان سرمایه‌ای در دوران بعد از انقلاب یاد می‌کند.

۱-۲ استفاده از شخصیت‌های دینی و آموزه‌های مذهبی

بهره‌گیری از اسطوره‌ها، نمادها و شخصیت‌های بزرگ مذهبی از مؤلفه‌های مقوم اعتماد اجتماعی بود که امام خمینی(ره) هوشمندانه و به جا از این مؤلفه استفاده نمود. ایشان به حافظه تاریخی مخاطبان خویش رجوع می‌کرد. حافظه تاریخی اکثریت که نموده‌های معینی برای دستیابی دارد. تاریخ مبارزه انبیاء و سیدالشهداء در طول تاریخ تداوم می‌یابد تا ایران «کربلایی» دیگر شده و ایثار و از جان گذشتن به ارزشی والا تبدیل گردد. مخاطبان امام با داشتن چنین خاطره جمعی مشترکی هم بسته‌تر می‌گردند. نمونه‌های متعددی در بیانات او وجود دارد که زندگی پیامبر و امامان معصوم را در مقابل دیدگان پیروان انقلابی به تصویر می‌کشد. عده قلیلی که وحدت و ایمان رمز پیروزی‌شان بود:

«پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند... لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرت ها را یکی پس از دیگری شکستند...» (همان، ۱۳۷۸، ج: ۵، ص: ۳۶).

راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورای مردم ایران در سال ۱۳۵۷ پاسخی به ندای وی بود. رویدادی که در ماه‌های آخر سلطنت پهلوی، گستردگی بسیج مردم علیه رژیم را به کارگزاران آن نشان داد و سبب شد تا اندیشمندی همچون «میشل فوکو» آن را اراده‌ای جمعی توصیف کند که تنها و تنها برای یک هدف شکل گرفته و آن هم رفتن شاه است. اراده‌ای که هرگز کسی آن را ندیده است و از این منظر فوکو آن را همچون خدا یا روح می‌داند (فوکو، ۱۳۸۶: ۵۷). این تأکیدها در دوران جنگ تحمیلی نیز ادامه یافت و به نوعی برجسته‌تر نیز شد. در واقع آغاز جنگ باعث شد تا اعتماد اجتماعی بار دیگر به صحنه آید. حمله عراق به ایران چنان احساسات ملی و دینی را برانگیخت که مقابله با آن و دفاع از وطن به یک «ارزش اجتماعی» مبدل گشت. حرکت جوانان به سوی جبهه‌ها با پیام‌های پرنفوذ رهبر، یک جریان «هنجار درونی» به وجود آورد که به تدریج همه اقدار را فراگرفت. به طوری که بسیاری از افراد مایل به رفتن به جبهه‌ها شدند و نرفتن به جبهه یک نابهنجاری و درعین حال ناجوانمردی تلقی می‌شد «در صورتی که افراد دارای هدف مشترک مهم و فعالیت مشترک در جهت رسیدن به هدف باشند، احساس تعلق خاطر در بین آن‌ها زیاد می‌شود. مهمترین هدف مشترک، دشمن مشترک است و اگر این دشمنی بنیان مذهبی داشته باشد تأثیری صدچندان خواهد داشت. در جبهه‌ها یک فرایند همبستگی و انسجام اجتماعی و دگرگونی عمیق ارزش‌ها روی داد و «ایمان» به عنوان سیما اجتماعی قوی‌ترین همبستگی را در میان جوانان رزمنده به وجود آورد» (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

در این مقطع نیز زندگی بزرگان مذهبی چون امام حسین(ع) و مفاهیمی نظیر شهادت، آزادیخواهی، تن ندادن به ذلت و... برجسته گردید. راهی که امام حسین (ع) و یاران‌شان طی نمودند، طریق احسنی است که سعادت ملت را در پی دارد.

«مگر نه آن است که دستور آموزنده "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالت خواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ نشین

و مستکبران غارت‌گر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی در هر روز و در هر سرزمین باشد. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود... و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مؤده‌ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان، اگر چه با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند و مؤده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است و مؤده که شهادت رمز پیروزی است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۹: ۴۴۵).

تأکید همیشگی امام بر حفظ سنت‌های عزاداری بسان یک میراث معنوی مشترک و تلاش برای انتقال آن به نسل‌های آینده نیز به منظور تداوم روحیه انقلابی و عدالت‌خواهی جامعه ایران صورت می‌گیرد. میراثی که می‌تواند تأثیری شگرف بر تقویت سرمایه اجتماعی ایرانیان بگذارد.

«حرف سیدالشهداء حرف روز است، همیشه حرف روز است. همیشه حرف روز را سیدالشهداء آورده است. دست ماها داده و سیدالشهداء را این گریه‌ها حفظ کرده است و مکتبش را، این مصیبت‌ها و داد و قال‌ها حفظ کرده؛ ... هر مکتبی هیاهو می‌خواهد، باید پایش سینه بزنند، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود... این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن‌گلی است که هی آب به آن می‌دهند زنده نگه داشته، این گریه‌ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را؛ این ذکر مصیبت‌ها زنده نگه داشته، همین‌هاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی‌رفت، سیدالشهدا همه جا هست. کل ارض کربلا، همه جا محضر سیدالشهداست... همه محراب‌ها از سیدالشهداست. اگر سیدالشهدا نبود یزید و پدرش و اعقاب‌شان اسلام را منسی کرده بودند. از نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس بود... ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته کشیده شده سکوت کنیم؟!» (همان، ۱۳۷۸، ج ۸: ۵۲۶ و ۵۲۷).

دیری نیاید که امام با تأکید بر آموزه‌های اسلامی - انقلابی که از جانب توده‌های مردم هم

حمایت می‌شد، دیدگاه خود را درباره جنگ ارائه کردند و جنگ ایران و عراق را نبرد

«حق و باطل» یا «اسلام و کفر» خواندند: «در این نزاعی که الان بین اسلام

است و کفر... چنان‌چه غلبه کنند خدای نخواستہ این‌ها بر نهضت ما- که نخواهند کرد

- این غلبه غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۰۵).

امام با این گزاره‌های دوگانه خصلت اعتقادی به جنگ بخشیده، ایران را دارالاسلام دانسته و بر حسب ضرورت دفاع از اسلام دفاع از آن را امری واجب عنوان می‌کند:

... ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می‌باشید؛ راه سعادت و افتخار ...
 در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام و راه دلت و ننگ ابدی... (همان،
 ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۷۱).

امام بارها بر مرز ایدئولوژیکی و غیریت سازی تأکید می‌نماید و از این طریق به تقویت دیوار اعتماد جامعه می‌پردازد. امام، صدام و صدامیان را کسانی می‌داند که خود را سردار قادیسیه می‌خوانند ولی رمز پیروزی قادیسیه و مؤمنان صدر اسلام را اشتباه درک کرده‌اند.

مردم ایران برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاء... دفاع می‌کنند و فرق است بین این عزیزان و گول خوردگانی که برای مقاصد پلید امریکا و وابستگان آن به جنگ بر ضد اسلام و قرآن مجید برخاسته‌اند (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۳۹۵).

به این ترتیب امام با برجسته نمودن مؤلفه‌های مذهبی به تقویت اعتماد اجتماعی پرداخت. پیشینه تاریخی ایرانیان نشان می‌دهد که این نهاد مذهب است که می‌تواند به شکلی موفقیت‌آمیز همبستگی و وحدت بین جامعه را تقویت نماید. امری که به بن مایه‌های نظری امام در تقویت اعتماد اجتماعی یاری رساند و در عمل نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲- انسجام

در راستای تقویت انسجام اجتماعی، امام بر توسعه و تقویت نهادهای مذهبی همچون مساجد و تکیه‌ها و هیئت‌های مذهبی تأکید کرده و با استفاده از شبکه ارتباطی روحانیون و ائمه جماعات که از شخصیت‌های مذهبی مورد اعتماد مردم بودند به تقویت این عامل پرداختند.

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های مساجد و به طور کلی محافل دینی همچون نماز جماعت، جلسات مذهبی و ادعیه مختلف به وجود آوردن انگیزه دوستی، همبستگی و تعاون بین افراد جامعه بود زیرا از دیدگاه روان شناسی اجتماعی حضور مستمر افراد در مساجد و صفوف جماعت، پس از مدتی کوتاه خود به خود باعث تحریک احساسات درونی نسبت به یکدیگر می‌شود و همین امر در درازمدت حس تعاون را در افراد جامعه تقویت می‌کند. امام خمینی (ره) نیز با توجه به این امر، از همان آغاز نهضت بر وجود مساجد به عنوان مهم‌ترین مکان برای انسجام‌دهی و تشکل بخشی تأکید نمود:

«مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم مثل کلیساست مسجد وقتی نماز در آن برپا می‌شده است تکلیف معین می‌کردند جنگ‌ها از آن شالوده‌اش ریخته می‌شد مسجد مثل کلیسا نیست مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است.» (همان، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳)

آغاز نهضت امام خمینی(ره) می‌تواند مصداق روشنی در این زمینه باشد چرا که سخنرانی ایشان در مسجد اعظم قم در سال ۱۳۴۱ بود که نخستین شعله‌های آتش انقلاب را برافروخت. پس از آن که انقلاب روند رشد خود را در پیش گرفت از مساجد به عنوان مراکز و پایگاه‌های تهییج، تحریک و ترغیب مردم مسلمان به همیاری و همبستگی و مساعدت استفاده نمودند. خاطرات انقلابیون و مردم در این خصوص بسیار است: «شرکت مردم محل در همیاری‌هایی چون عبادت از بیماران، شرکت جمعی در زمان فوت فردی از افراد محل که همگی تحت هدایت مساجد و جلسات مذهبی اداره می‌شد باعث ترویج بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی و سنتی در میان اقشار جامعه می‌گردید و احساس تعلق و دوستی کم‌ترین ره آورد این همدردی‌ها بود» (شریف پور، ۱۳۸۰: ۶۹).

مساجد در محله‌ها وظیفه راهبردی و راهبری مردم را در امور اجتماعی به عهده داشتند و هرازگاهی که مشکل اجتماعی پیش می‌آمد جلودار رفع آن بودند. دگریاری که خودنوعی همکاری است از دیگر محورهای اجتماعی مساجد و جلسات دینی بود. به ویژه در مواقع حساس و بحران‌ها و حوادث اجتماعی، فعالیت‌های مربوط به این زمینه پرنگ‌تر و قوی‌تر می‌شد. در حوادثی چون سیل و زلزله، مسجد و مسجدی‌ها از بهترین عناصر فعال در برابر این حوادث بودند و به بهترین شکل کمک رسانی به مردم مصیبت زده و خسارت دیده را به انجام می‌رساندند. همکاری و همیاری مساجد و گروه‌های مختلف و بازاری‌ها در جریان زلزله‌های بویین زهرا و جنوب خراسان در پیش از انقلاب بسیار زیاد بود. مساجد پایگاه تجمع نیروهای انقلاب، حرکت تظاهرات و ابراز اعتراضات مردم بود. خانواده‌هایی که برای پیشبرد انقلاب در حال اعتصاب بودند و یا در بازداشت و زندان به سر می‌بردند از سوی مسجد و مسجدی‌ها پشتیبانی می‌شدند (شریف پور، ۱۳۸۰: ۵۳).

امام خمینی(ره) در اسفند ماه سال ۱۳۵۴ فتوای صریحی در خصوص اجازه مصرف یک سوم سهم امام برای خرید و انتشار کتاب‌های اسلامی داد. این امر باعث شد تا فعالیت‌های تبلیغی،

اطلاع رسانی مساجد رشد نماید و تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها از جمله اعلامیه‌های امام امت، مراجع بزرگ و نوارهای انقلابی انجام شود (شریف پور، ۱۳۸۰: ۱۲۸) و این چنین امام با استفاده از اختیار و صلاحیت خویش بر استفاده بهینه از مساجد که همانا قرارگرفتن در مسیر انقلاب بود، تأکید نمودند.

این رویکرد نسبت به مساجد در سال‌های پس از انقلاب نیز تداوم یافت:

«لازم است در این موقع حساس که بیش از هر وقت احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، ملت مسلمان ما به مساجد در تمام بلاد رو آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلام است، زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی، نهضت را به پیش ببرند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۳۸).

امام باز هم در این دوران از مساجد به عنوان محلی برای حفظ مکتب که محور همبستگی و انسجام مردم است یاد می‌کند:

«این اجتماعات مساجد را زیاد کنید، مردم را دعوت کنید به مساجد، بفهمانید به آن‌ها که نکته‌گریه چیست؟ گریه فقط برای این نیست که ما عزادار هستیم. مردم برای پدرشان هم و فرزندشان هم دو، سه روز گریه می‌کنند و تمام شد، چرا این تمام نشد؟ برای این که مکتب تمامی ندارد و این مکتب ماست؛ این سند مکتب ماست. می‌خواهیم مکتب‌مان را حفظ کنیم» (همان، ۱۳۷۸، ج ۸: ۵۳۶).

در این میان امام از مردم می‌خواهد «از خیابان‌ها به مساجد و مراکز اجتماع بروند و به فرموده علمای اعلام و خطبای محترم گوش دهند» (همان، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۲۸) و از روحانیون هم می‌خواهد تا مردم را به وحدت دعوت کنند:

«مردم را به وحدت کلمه و ادامه نهضت و تقوا و صبر انقلابی دعوت کنند و از اختلاف و تفرقه - که اساس شکست و عقب‌ماندگی است - بترسانند، و با تذکر جهاد سید مظلومین و مصیبت وارده بر آن حضرت، ملت را به مجاهده تا نهایت پیروزی و رسیدن به حکومت اسلامی به تمام ابعادش فراخوانند. ذکر مصایب و مجاهدات مجاهدین اسلام، صدر اسلام در امروز و تا ابد اسلام را زنده نگه می‌دارد» (همان، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۳۸).

بنابراین با تعامل دو جانبه مردم و روحانیون تأکید بر عوامل مذهبی برجسته می‌گردد. از طرف دیگر در ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب و پیش از شکل‌گیری نهادهای دولتی و انتظام بخش، این مساجد بودند که کارکرد این مراکز را در حوزه‌های امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به عهده داشتند. در این بخش می‌توان به نقش نهادهای انقلابی نیز اشاره کرد که کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران، کمیته امداد امام خمینی و جهاد سازندگی از جمله آن‌ها بود.

در واقع امام با فرمان تأسیس این نهادها که دارای پایه و صبغه‌ی مذهبی بودند به افزایش انسجام نیروهای مردمی - انقلابی پرداخت. به دلیل اثرگذاری بیشتر این نهادها در مشارکت مردم در بخش بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳- مشارکت

فرایند مشارکت مردم در دوران انقلاب از طریق شرکت در اعتصابات و تظاهرات و تمامی کنش‌هایی بود که از طریق آن‌ها اعضای جامعه در امور انقلابی شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی آن دوران سهیم می‌شدند. امام با فراخواندن تمام اقشار جامعه به شرکت در فرآیند مبارزه در واقع مشارکت مردم را تقویت می‌کرد و امیدوار بود ادامه مبارزات در شکل «تظاهراتی که در ایران جریان دارد» به حل مسائل منجر می‌شود. امام بیانیه‌های متعددی در تشویق مردم به شرکت در این مبارزات صادر نمود: «ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده...» (همان، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۶۴) و در ادامه: «دراعتصابات خود پشتکار به خرج دهید و شعارهای اسلامی خود را هر چه بیشتر گسترش دهید...» (همان، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۸۸) این فراخوانی و تقویت انسجام مردم در قالب نهادهای مذهبی، به مشارکت انقلابی آن‌ها انجامید.

همان‌گونه که انقلاب اسلامی نماد مشارکت عمومی ملت به شمار می‌رفت، پس از انقلاب نیز مشارکت توده مردم ادامه یافت چرا که استمرار انقلاب و تثبیت حکومت نیازمند مشارکت مردم بود. مشارکتی که در فروردین سال ۱۳۵۸، انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری در دوره‌های گوناگون شکل گرفت. امام برای تشکیل همه ارگان‌ها، نهادهای انقلابی و تشکیلات نظام تعجیل داشتند (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۸۷). البته امام این توانایی و محبوبیت مردمی

را دارا بود که مانند رهبران انقلابی همچون «کاسترو» رهبر انقلاب کوبا یا «مائو» رهبر انقلاب چین و یا «لنین» رهبر انقلاب روسیه باشد، به نحوی که شوراها و نهادهای انتخابی تعطیل و نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نداشته باشند. امام به این نتیجه رسیده بود که باید از طریق آرای مردم یک حکومت و سازوکارهای لازم برای اداره مملکت ایجاد کند و مناسب‌ترین راه کار ایجاد ارگان‌های حکومت از طریق انتخابات و آرای مردم بود (زیباکلام، ۱۳۸۷، ص: ۷۹).

افزون بر این موارد، نهادهای انقلابی از جمله نهادهای مهمی بودند که به خصوص در سال‌های نخست جمهوری اسلامی، مشارکت توده مردم را در عرصه عمومی کشور فراهم کردند. در همین دوران و در حالی که تنها یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود، فرمان امام برای تشکیل «بسیج مستضعفین» عرصه مهمی برای مشارکت دادن توده مردم در اداره مملکت گردید:

«ما باید همه قوایمان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشوری. باید اگر مسائلی برایمان پیش بیاید هر چه هم سخت باشد تحمل کنیم. اگر یک ملت که همه جوان‌هایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند مجهز به جهازهای مادی هم باشند سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند همه جا باید این طور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشور با بیست میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد...» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۲۱).

نهاد بسیج در زمان جنگ با قدرت بسیج‌گری خود سازماندهی نیروها را برعهده گرفته و محملی برای استفاده‌ی بهتر از توانمندی جوانان شد. بسیج فراگیرترین نهاد انقلابی بود که به فرمان رهبر انقلاب تشکیل شد و توانست مشارکت عمده‌ی مردم در فرایند جنگ را عملی سازد. بسیج نیروها و استفاده بهینه از آنها مهم‌ترین تأثیر امام در تقویت مشارکت مردم بود که از دل نهادهای مذهبی بر می‌آمد. همان‌گونه که در فرمان تأسیس نهضت سوادآموزی نیز بر آن تأکید خاصی داشتند:

«برادران و خواهران ایمانی برای رفع این نقیصه درآورد بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن بر کنید... و در مساجد و تکایا باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند...» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۴۷).

به نظر می‌رسد ضعف نهادهای حکومتی در آن دوران که هنوز از قوام و استحکام لازم برای اداره‌ی امور اجتماعی برخوردار نبودند موجب شده بود تا امام بر حضور مردم در حوزه‌هایی که از لحاظ تخصصی و بوروکراسی دولتی چندان پیچیده نبود، تأکید نمایند. نشان به این نشان که در همان زمان و سال‌های پس از آن در بسیاری از موارد حضور دولت و نهادهای دولتی را در کنار مردم لازم می‌دانستند:

تنها با شرکت فعالانه همهی ملت است که می‌توان خرابی‌های عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود(همان، ۱۳۷۸، ج:۵: ۴۲۸).

این به معنای نادیده انگاشتن نقش دولت و نهادهای برنامه ریز نبود بلکه به لزوم همکاری دولت و ملت دلالت می‌کرد. امام اعتقاد داشتند:

«در بازسازی اگر ملت بخواهد سرخود کار بکند، فساد ایجاد می‌شود. اگر دولت بخواهد مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هر چه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت. مردم خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند و دولت باید به مردم مجال بدهد به این که در کارها داخل بشوند و مردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تأنی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند»(همان، ۱۳۷۸، ج:۷: ۱۶۷).

آن‌چه که امام در بسیج نیروها مهم می‌دانست، «قوه ایمان» بود که :

«مردم را در سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیب الهی بود که مردم ایران را از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی با هم هم‌صدا کرد... هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند هیچ ملتی نمی‌تواند این طور بسیج بشود. هیچ ملتی نمی‌تواند این طور بسیج بشود، قدرت ایمان قوه اسلام قدرت معنوی ملت این پیروزی رابه ما ارزانی داشت(همان، ۱۳۷۸، ج:۶: ۳۶۱).

ایشان همچنین از مشارکت مردم در این نهاد حمایت می‌کند:

«... و رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده‌اند و به حمدالله تعالی با همّت جوانان برومند و داوطلبین گروه بیست میلیونی رزمنده تربیت کرده‌اند و امید آن است

که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شعفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود، ارتش بیست میلیونی که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شرجهان خواران متجاوز است تحقق یابد» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۸).

کمیته امداد امام خمینی نیز از دیگر نهادهای انقلابی است که بر مبنای معرفی این نهاد در گزارش‌های خود سازمان، پیشینه‌اش به سال‌های ۱۳۴۲ باز می‌گردد؛ هنگامی که انقلابیون به حمایت از خانواده زندانیان سیاسی به فرمان امام خمینی (ره) پرداختند. با پیروزی انقلاب اسلامی و اولویت به محرومان و فقرا، کمیته امداد در پی فرمان امام در چهاردهم اسفند ۱۳۵۷ تأسیس شد. امام خمینی (ره) در سخنان خود این نهاد را نهادی در جهت رسیدگی به فقرا و مستمندان و محرومان جامعه دانست و با تأکید بر اهمیت این قشر از جامعه در پیروزی انقلاب (همان، ۱۳۷۸م: ۲۶۱) کمیته امداد را نهادی مهم ارزیابی کرد که شبیه آن در کشور دیگری وجود ندارد. نهادی که با مشارکت مردم به امداد فقرا می‌رود:

«بی‌سابقه است که در یک کشوری خود مردم و خود علما و مؤمنین یک کمیته‌ای به اسم کمیته‌ای برای امداد داشته باشند که هم‌شان این باشد که فقرا و مستمندان را در سراسر کشور رسیدگی کنند و امداد کنند. این‌ها برکات اسلام است و این گروه‌های عزیز و کمیته‌ها و همین طور این کمیته امداد یک عمل بسیار لطیف، ظریف و شریف دارند که با این عمل انشاءاً... می‌توانند ریشه فقر را از سرتاسر کشور به امداد ملت بزرگوار ایران، این ریشه را از بیخ و بن بکنند» (همان، ۱۳۷۸، ج ۴۲۴: ۱۷).

در اساسنامه کمیته امداد نیز به تقویت هسته‌های مردمی و ارتباط با انجمن‌های خیریه و عام المنفعه داخل و خارج از کشور اشاره شده است. همچنین از دیگر بندهای این اساسنامه ایجاد تمهیدات لازم در جهت احیای فرهنگ ایثار و انفاق و نشر سنت‌های حسنه اسلامی و جلب و هدایت امکانات و کمک‌های مردمی خصوصاً کمک‌های اشخاص خیر و نیکوکار و همچنین امکانات و کمک‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی جهت حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند است. (سایت کمیته امداد، گزارش‌های آماری، سالنامه آماری ۸۸ www.emdad.ir) این موارد نمایانگر نهادی است که قابلیت لازم را جهت مشارکت مردم و تقویت شبکه‌های اجتماعی را داراست. بر اساس گزارش‌های موجود در سایت کمیته امداد، در پایان خرداد ماه سال ۱۳۸۲ تعداد ۸۴۳۲۲۳ خانوار با جمعیت ۲۶۰۰۸۴۹ نفر شامل: ایتام، بی‌سرپرستان، از کار افتادگان،

معلولان و سایر نیازمندان به صورت دائمی تحت پوشش این نهاد قرار داشته‌اند. به علاوه تعداد ۹۸۶۹۳ خانوار با جمعیت ۳۱۷۹۱۲ نفر نیز به صورت موردی از خدمات این نهاد بهره‌مند شده‌اند (سایت کمیته امداد، گزارش‌های فصلی، گزارش سه ماهه ۱۳۸۲. www.emdad.ir). گزارش‌ها نشان می‌دهد ۸۸۱۰۵۴ خانوار طرح مددجویی در سال ۱۳۸۳ به ۱۲۱۶۰۱۶ خانوار در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است (سایت کمیته امداد، گزارش‌های آماری، سالنامه آماری . www.emdad.ir).

علاوه بر این طبق گزارش فوق، مشارکت مردمی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در سه ماهه اول سال ۱۳۸۲ درآمدی به مبلغ ۱۷۴/۶ میلیارد ریال را نصیب این نهاد کرده است که از این مبلغ ۷۰/۱ میلیارد ریال درآمد صدقات است و بقیه شامل کمک‌های مردمی، کمک سازمان‌ها و درآمد مؤسسات تابعه امداد، کمک‌های مجتمع اقتصادی وابسته به امداد و وجوهات امانی بوده است (سایت کمیته امداد، گزارش‌های فصلی، گزارش سه ماهه ۱۳۸۲).

از دیگر نهادهایی که پس از پیروزی انقلاب، موجب تقویت مشارکت مردم شد جهاد سازندگی بود. امام در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در راستای تأسیس این نهاد بر مشارکت مردم تأکید کردند: «الان که مرحله سازندگی است، ما دست‌مان را پیش ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت نمایند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۷۹).

امام تشریح مساعی اقشار مختلف مردم را ادا کردن وظیفه شرعی و نوعی عبادت عنوان کرد «که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد. بلکه من از اشخاصی که برای زیارت‌ها مثل زیارت مکه معظمه و مدینه منوره می‌خواهند به طور استحباب بروند از آن‌ها می‌خواهم و تقاضا می‌کنم که شما که برای ثواب می‌خواهید به مکه مشرف بشوید و یا می‌خواهید به مدینه منوره و یا به عتبات عالیات مشرف بشوید، امروز ثوابی بالاتر از این نیست که به برادران خودتان کمک کنید و این سازندگی را همه با هم شروع کنیم که ایران خودتان درست ساخته بشود و برادران شما نجات یابند. خداوند به همه شما اجر عنایت می‌کند و همان ثوابی را که شما از زیارت می‌خواهید خداوند در این جهاد به شما خواهد داد» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۷۹).

از نظر ایشان جهاد سازندگی به لحاظ حمایت و پشتیبانی از اقشار ضعیف و کشاورزان می‌توانست سرمایه حمایتی عظیمی برای حکومت ایجاد نماید و در صورت انجام کاری «که

برخلاف مصلحت اسلام و انقلاب اسلامی است، اسباب دلسردی مردم می‌شود(همان، ۱۳۷۸ی:۳۰).

آنچه در سخنان امام مشهود است برجسته سازی مؤلفه‌های مذهبی در ایجاد و دعوت به مشارکت مردم در آنها است. امام خمینی(ره) در سخنان خود با تأکید بر اهمیت کمیته امداد، نهادهای انقلابی «از قبیل سپاه پاسداران، کمیته و بسیج را، نوآوری‌هایی دانست که به برکت اسلام و تعهد ملت ما به اسلام پیدا شده و بی‌سابقه است»(همان، ۱۳۷۸، ج۱۵: ۳۳۰).

در واقع پیدایش این نهادها را با واگردی به مذهب تبیین می‌کند و این چنین در جامعه انقلابی آن زمان با توسل به آموزه مذهبی بر تقویت جایگاه این نهادها می‌کوشد.

نتیجه‌گیری

هر انقلابی برای کامیابی و ایجاد نظام مورد نظر خود نیازمند برقراری پیوندی پذیرفتنی میان چهار عنصر رهبری، ایدئولوژی، مردم و سازمان است. سرمایه اجتماعی در این بین پیوند نقش اساسی را ایفا می‌کند. به ویژه دو عنصر رهبری و مشارکت مردم که ارتباط معناداری با مقوله سرمایه اجتماعی دارند.

در این مقاله پس از طرح مباحث تئوریک و تبیین «سرمایه اجتماعی» در سایه سه مؤلفه اعتماد، انسجام و مشارکت به بررسی تأثیر رهبری امام خمینی(ره) بر آنها پرداختیم. در زمینه اعتماد اجتماعی به دو محور همبستگی اجتماعی و استفاده از آموزه‌های مذهبی و شخصیت‌ها و بزرگان مذهبی اشاره نمودیم و نشان دادیم که امام در راستای تقویت اعتماد بر این دو محور تأکید نمود اما هر دوی آنها را در پرتو آموزه‌های مذهبی می‌نگریست. همچنین غیریت سازی نیز عامل مکملی بود که امام از آن بهره می‌برد.

در بررسی مؤلفه انسجام به نقش نهادها و نیروهای مذهبی در تشکل و انسجام نیروها پی بردیم و تأکید امام را بر استفاده از تشکل‌ها و شبکه‌های مذهبی برجسته یافتیم. سومین مؤلفه مشارکت بود که در دوران انقلاب در تظاهرات و اعتصابات نمود داشت و امام مردم را بی هیچ تمایزی به شرکت در آن فرا می‌خواند؛ پس از انقلاب نیز فرمان ایجاد «بسیج مستضعفین»، کمیته امداد و جهاد سازندگی به مشارکت همه اقشار مردم در محیط اجتماع یاری رساند. آن چه در این بخش مورد تأکید ایشان قرار داشت «ایمان» بود که امام از آن به عنوان عامل تقویت

کننده مشارکت مردم کمک گرفت و باز هم نهادهای مذهبی- مردمی را به محملی برای مشارکت مردم تبدیل نمود.

بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام و انطباق آن با رویدادهای انقلاب اسلامی ایران به وضوح نشان می‌دهد که تأثیر ایشان بر سرمایه اجتماعی تأثیری ایجابی و پویا بود و نه سلبی و ایستا. گرچه نمی‌توان از ویژگی‌های ذاتی مذهب در ایران به عنوان عاملی انسجام بخش و مقوم سرمایه اجتماعی غافل شد ولی بی تردید نقش امام خمینی(ره) به عنوان شخصیتی که توانست این مؤلفه‌ها را در قالب «ایدئولوژی انقلابی» نظام‌مند ساخته و نیروهای پراکنده جامعه ایران را حول آن متمرکز سازد، غیر قابل انکار است. از این رو می‌توان گفت در جریان انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژی مورد استفاده‌ی امام تأثیر مثبتی بر تقویت سرمایه اجتماعی داشته و بازتولید این ایدئولوژی به موازات حوادث و رویدادهای پس از انقلاب توسط وی مانع از استهلاک آن گردید. در مجموع می‌توان بهره‌گیری هوشمندانه از مذهب را به عنوان عامل اصلی و غیریت‌سازی‌های به جا و درست را به عنوان عاملی فرعی در تأثیر امام بر تقویت سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. نگاه مکتب‌گرایانه و تکلیف یافته بر سراسرگفتمان ایشان حاکم بود و توانست تفسیری کاربردی و جاودانه از آموزه‌های اجتماع‌گرایانه مذهب شیعه ارائه نماید.

منابع

۱. اختر محققى، مهدى (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، تهران، بی نا.
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۳. اوفه، کلاوس (۱۳۸۴)، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، مترجمان: افشین خاکباز و حسین پویان، به کوشش کیان تاجبخش، تهران، نشر شیرازه.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.
۵. پاتنام، روبرت (۱۳۷۹)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
۶. خلیلی، محسن (۱۳۸۵)، پیدایی و پایایی تئوریک انقلاب اسلامی. در کتاب: آسیب شناسی انقلاب اسلامی. [به اهتمام] کانون امید جوانان ایران اسلامی، مشهد، سنبله.
۷. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، جلد‌های مختلف، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۱)، انقلاب اسلامی و وضع کنونی آن، تهران، مرکز فرهنگی علامه طباطبائی.
۹. زیباکلام، صادق (۱۳۸۷)، هاشمی بدون روتوش، گفت و گو با هاشمی رفسنجانی، فرشته اتفاق فر، تهران، انتشارات روزنه.
۱۰. شریف پور، رضا (۱۳۸۰)، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اصفهان، انتشارات ماهی.
۱۲. فوکو، میشل (۱۳۸۶)، ایران: روح یک جهان بی روح. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران، نی.
۱۳. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، شابک.
۱۴. فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران، کویر.
۱۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۶. کمیته امداد، گزارش‌های فصلی، گزارش سه ماهه ۱۳۸۲. <http://emdad.ir/central/amar/files/>
۱۷. کمیته امداد، گزارش‌های آماری، سالنامه آماری ۸۸.

<http://www.emdad.ir/central/amar/files/s/1388/moghadame>

۱۸. گلدستون، جک(۱۳۸۵)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.

۱۹. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهان‌سازندگی.

۲۰. ناظمی، مهدی (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و جایگاه بسیج در تولید آن در مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، اصغر افتخاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

21. The World Bank Group, "Social Capital For Development" "What Is Social Capital, <http://www.worldbank.org/poverty/scapital/whastc.htm>.

22. Eisenstadt, s.n(1995), Power, trust and meaning, Essays in Sociological Theory and Analysis, Chicago: University of Chicago press.

23. Putnam Robert(2001), Bowling Alone, Touchstone Books by Simon & Schuster.

24. Szereter Simon(2002), The state of social capital: Bringing back in power, politics, and history, Theory and Society, Vol.31, Published by: Springer.